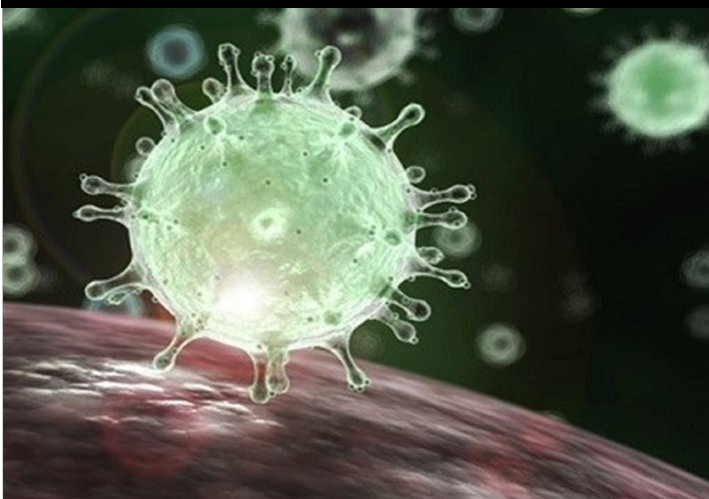


علیه بیکاری

www.a-bikari.com

شماره ۵۶ ۴ فروردین ۱۳۹۹

ایران، "کرونا"، محاصره اقتصادی امریکا و جمهوری اسلامی



ایران، "کرونا"، محاصره اقتصادی امریکا و جمهوری اسلامی
ایران سرزمینی در سراشیب کشتار "کرونا" است. در حالیکه هر روز ابعاد تازه تری از اثرات مرگبار این بیماری و رابطه مستقیم آن با وضعیت بهداشتی عمومی جامعه و درجه سلامتی فردی مبتلایان روشن میشود؛ به همان درجه فاجعه ای که مردم ایران با آن دست به گریبان هستند، ابعاد هولناک خود را عیان میسازد. نیازهای بهداشتی و سلامتی عمومی جامعه از هدفهای مستقیم محاصره اقتصادی امریکا است، تداوم آن این وضعیت را وخیم تر میکند و باید فوراً پایان یابد.

جامعه ایران یک جامعه طبقاتی زیر سلطه هار سرمایه است که توده اصلی مردم زحمتکش آن توسط زنجیرهای یک حکومت ارتجاعی در تباهی فقر و سرکوب اسیر هستند. بر متن یک فضای اعتراض عمومی، سیاست محاصره اقتصادی امریکا تماماً بر خلاف ادعاهای ریاکارانه دولت امریکا و خیل اپوزسیون طرفدار، بیشتر از جمهوری اسلامی، مردم و جبهه آزادیخواهی را مورد حمله قرار میدهد و تضعیف میکند. در شرایط بحرانی امروز، بیمارستان های خالی از تجهیزات، کمبود انواع نیازهای پایه ای و سراسیمگی در پی مواد ضد عفونی هر چه بیشتر مردم عادی و تحت ستم را تهدید میکند، و مسابقه توجیحات وزارت خانه های دو دولت امریکا و جمهوری اسلامی در کلاف محاصره اقتصادی یک ننگ و فصل تهوع آور است که پای هر دو را میگیرد.

"کرونا" و مخاطرات آن یک تهدید جدی است و توده زحمتکش و فقیر در ایران در آستانه یک فاجعه بزرگ به سر میبرند. نفس زندگی و جان سالم بدر بردن مردم را وادار به صف آرایی تازه تر در مقابل حکومت میکند. "آموزش" و پروپاگاندا دولت امریکا در زمینه "افتشا" در فساد دولتی جمهوری اسلامی آخرین چیزی است که مردم در صف آرایی خود به آن نیاز دارند. آشکار است که منافع این مردم، و بطریق اولی امر آزادیخواهی و رفاه هرگز امر دولت امریکا نبوده و نیست. اما بهره گیری از سراسیمگی مردم در هراس از موج مرگ "کرونا"، در معاملات و معادلات صحنه سانتریفوژها جز کثافت و ردالت نیست.

محاصره اقتصادی یک اسلحه کشتار کور و جمعی مردم در دست امریکا است و "کرونا" بیان عملی و تجسم کارایی آن در مقطعی است که "در و تخته با هم جور در آید!"
محاصره اقتصادی امریکا باید فوراً پایان یابد!

مصطفی اسدپور

به نقل از شماره 298 نشریه حکمتیست

ایران، "کرونا" و جمهوری اسلامی

صفحه ۲

مارس وحشت در دل دریای مدیترانه

صفحه ۲

دستمزدها از فراز "قله های ۱۳۹۸"

صفحه ۳

مواجهه با هیولای کرونا، نه راه پیش و نه راه پس؛

بی پناه همچون زحمتکشان افغانی در ایران

صفحه ۴

نوبت، نوبت اظهار نظر کارگراس!

آخرین خبر از دستمزد سال ۱۳۹۹

صفحه ۵

یارانه کرونا، مضحکه جدید علیه معیشت

صفحه ۸

و تندرستی طبقه کارگر

ایران، "کرونا" و جمهوری اسلامی

"اپیدمی قتل و کارگر کُشی در ساختمان سازیها"، "اپیدمی لت و پار کردن و شکنجه در زندانها" و ...

جمهوری اسلامی بحران را پاس میکند، از سر باز میکند. اما هنر این حکومت در خریدن وقت خلاصه نمیشود، بلکه "هنر" اصلی در آنست که در دل هر بحران کمتر و کمتر گیر مردم بیاید، و بعلاوه توقعات و موقعیت مردم بیش از پیش به عقب رانده شود. در همین مدت شانه خالی کردن دولت در قرنطینه شهرها، بی میلی در تامین بیمارستان و نگهداری شایسته از مبتلایان با هزار بهانه توجیه شده است. حکومتی که چُسی های پیشرفت های علمی و صنعتی آن عالم را گرفته، در تامین الکل و صابون و ماسک تغل بخرج داده و در عوض روی سر مردم منت رهنمودهای نوخ آمیز "شستن دست" را میدهد بدون اینکه بروی خود بیابورد کدام آب؛ در کدام خانه و سر پناه! بلاخره کسی باید دهان رئیس جمهور را گل بگیرد که مردم در کدام خانه، با کدام اجاره، سر کدام سفره "از رفت و آمد زاید بپرهیزند"؟!

شهر پس از شهر، قدم به قدم با اشاعه "کرونا" در عطش اعتراضات توده ای علیه دولت و بی وظیفگی بیشرمانه در چاره اندیشی در مقابل ابعاد جاری فاجعه میسوزد. ضرورت اجرای مقررات بهداشتی فردی در مقابله با اپیدمی "کرونا" بجای خود اما به انزوا و بی خبری از یکدیگر نباید تن داد. میتوان اطمینان داشت که ابتکارات توده ای برای انواع همفکری و همکاری در سطح محلات و کارخانه ها چاره ای خواهد اندیشید.



چگونه ایران بسرعت تبدیل به یک منطقه اصلی ابتلا به ویروس کرونا و کانون انتشار این بیماری مرگبار برای جهان امروز شد؟ افزایش مقامات لشکری و کشوری و یک خروار از لاقیدی آشکار و شرم آور تا اینجا به قیمت بسیار سنگینی برای پایینی های جامعه تمام شده است. "کرونا" با یک ویروس و قابلیت شیوع و انتقال بسیار سریع مشخص میشود. اما دامنه و قابلیت تخریبی و بیماری آن بستگی مستقیم به محیط پخش آن و به فرد میزبان دارد. کرونا بیماری "جمهوری اسلامی" است، عوارض آن، و لطمات و کشتندگی آن ربط مستقیمی با جمهوری اسلامی دارد. مردم ایران در مقابل این و با هر ویروس از قفس پریده دیگری همانقدر میتوانست روی جمهوری اسلامی حساب باز کند که برای سیل گلستان و برای زلزله بم میتوانست توقع داشته باشد، یعنی هیچ! مطلقا هیچ! جز خزعبلات اسلامی، زبان درازی و دو قورت و نیم باقی طلبکارانه و دیگر هیچ!

در سیل گلستان، طبیعت قهار صدها هزار کلبه فکسنی و نیمه مخروبه را برای نمایش قدر قدرتی خود تحویل گرفتند. جان آمیزاد و زندگی و تن و احترام آنها بی ارزش ترین چیزها در طول این فجاجع به حساب آمده و قربانی شدند. در مورد "کرونا"، این ویروس به "ارض موعود" خود پا میگذارد، ایران سرزمین اپیدمی ها است، "اپیدمی فقر"، "اپیدمی اعتیاد"، "اپیدمی کمبود پروتئین و ویتامین"، "اپیدمی بیماری و اختلالات روحی و روانی"، "اپیدمی فقدان بهداشت در جملگی محیط های کار"،

مارس وحشت در دل دریای مدیترانه



چگونه چنین حجم عظیمی از اسلحه و نیروی مسلح، ارگان و مامور، چگونه این تعداد سیاستمدار و تماشچی و دوربین و خبرنگار، و چگونه اینهمه توطئه و دسیسه و دشنام علیه پناهجویان در چند صد متر مربع توانسته جا بگیرد.

در طول دو هفته دریای اژه از فرط تعداد کشتی های مجهز و نظامی یونانی و تلاش بی وقفه در سد کردن قایق های پناهجویان اشباع گشت، تیر اندازی مستقیم پلیس منجر به غرق یک قایق بادی شد، دست کم یک دختر خردسال بر اثر شلیک نیروهای گارد یونان جان خود را از دست داد. تیر اندازی هوایی و شلیک گاز اشک آور و درگیری تن به تن از کشمکش های روزمره به حساب آمده است. دریای اژه با همه امواج سهمگین خود از هر تقصیری در دو هفته ننگ و نفرت راسیسم و نژادپرستی و ضدیت با پناهجویان میرا است. کسی نتوانست سر در بیابورد چگونه نمایندگان اداره مهاجرت کشورهای اروپایی و دستجات نژاد پرست در صف جلو در میان پناهجوی تازه از راه رسیده، در حالیکه تنها امواج و تاریکی و ترس را پشت سر خود داشتند، سینه سپر کردند. دولت فنلاند صدور سیم خاردار مجانی را آغاز کرد و اعلام آمادگی برای اعزام واحد های مبارزه با پناهجو را منتشر ساخت...

مدیترانه بزرگ و وحشی هرگز در مقابل آثار باقیمانده از مسابقه نیروهای رنگارنگ راسیست اروپایی در سردی و بی تفاوتی در مواجهه با نیاز و درماندگی هموع، مشت های گره کرده و بغض "برو گم شو!" کمر راست نخواهد کرد.

روز هجدهم مارس با مذاکرات تازه میان اردوغان و نمایندگان اروپایی مشترک و اعلام توافقات تازه تر، ترکیه مرز های خود را بست و یونان اعزام و زندان پناهجویان در کمپ های بسته و غیر قابل عبور را در دستور خود گذاشت.



دو هفته اول ماه مارس دریای اژه از مدیترانه، حد فاصل ترکیه و یونان به صحنه وحشت مرگ بیش از چهل هزار پناهجو تبدیل شد. اگر قایق های بادی فکسنی مالمال از زن و کودک در امواج دریا کورسوی امیدی را نمیتوانست سراغ بگیرد، اما وحشت اصلی در مقصد، در خشکی در کمین و در انتظار طعمه نشسته بود.

روز بیست و هشتم فوریه در ادامه حمله دولت ترکیه به سوریه، اردوغان به تهدید خود مبنی بر هجوم موج پناهجویان به سمت اروپا جامه عمل پوشاند. دهها هزار پناهجو راه گنر به مرز یونان را به روی خود باز یافتند. هدف ترکیه روشن بود، پیچاندن دست اروپای مشترک و اخاذی پول بیشتر بر مبنای توافق کنترل مرزها در سال 2016 و گرو کشی برای جلب حمایت سیاسی در اشغال شهر "ادلب" در سوریه و امکان کنترل در بخش کرد نشین درون و بیرون مرزهای ترکیه.

برای دهها هزار پناهجو، اساسا از سوریه، افغانستان و افریقا، که در اردوگاه های پناهندگی ترکیه در اسارت بلاتکلیفی و شرایط شدت غیر انسانی بسر میبردند، فرجه و کور سوی نجات باز میشد، و برای ترکیه، یکبار دیگر، نفس تلاش بقا و نومییدی و هراس در دل پناهجویان سرمایه ای بود که بتواند دول اروپایی را بترساند و به تسلیم بکشد. تاریکی، سرما، بی پناهی، امواج سرکش دریای اژه هزاران نفر را در آغوش خود یافت. کسی از آمار دقیق کشته ها خبر ندارد، چرا که اساسا آمار از کشتی و قایق ها، از لیست مسافری در دست نیست، این بار حتی از جلیزقه های نارنجی رنگ برای ردگیری نشانی از همه بخت برگشتگان سفر مرگ خبری در میان نبود.

گفته میشود در طول دو هفته دریای اژه چشم خواب بر هم نگذاشته است. حجم عظیم اخبار و گزارشات از جزایر کوچک مرزی یونان گواه صحت این گفته است. همه چیز نشان از تنش و پریشانی عمیق و خاموش نشدنی در چند جزیره از جمله Kos, Lesbos, Samos دارند. با خواندن این گزارشات و با نگاهی به تصاویر در حیرت میمانید که

دستمزدها از فراز "قله های ۱۳۹۸"



نداد خلاصه میشود. پافشاری دولت، کارفرما و پادوهای خانه کارگری بر دسته بندی کردن دستمزدها در قالب "خواست های صنفی" اوج خوش خدمتی در تثبیت بی حقوقی و ندادن ها است.

طبقه سرمایه دار و دستگاه های تبلیغی آن، مساله دستمزدها را در چهارچوب "صنفی" جای میدهند، دستمزدها را در انواع نقدی و جنسی، عائله بندی و سنوات و پاداش و عیدی و غیره پاره پاره میکنند تا شکل گیری یک جبهه واحد مبارزه بر سر دستمزدها را هر چه عقب تر بیاندازند.

طبقه کارگر در منگنه شدیدترین اجحافات اقتصادی و در دل محرومیت های بسیار به افزایش دستمزدها نیاز دارد. با رشد و تنوع نیازهای زندگی، افزایش دستمزدها نمیتواند قطره چکانی، کجدار و مریز، سرگردان در دالان پژوهش ها و قطعنامه های حاشیه خط فقر دور خود بچرخد.

مساله گرهي افزایش دستمزدها در ایران آزادی حق اعتصاب و حق تشکلهای توده ای طبقه کارگر است. به این معنا، مساله دستمزدها یک گره گاه سیاسی است. طبقه کارگر باید بتواند نارضایتی عمومی و وضعیت غیر قابل تحمل خود را از دریچه نابرابری طبقاتی بنگرد. هر کارگر در واقعیت زندگی خود میتواند شاهد کافی بر دامنه کار و تولید و سازندگی، شاهد کافی بر دامنه باور نکردنی ثروت و امکانات و سهم تباهی خود را دریابد. وضعیت دستمزدها و پروسه مابمولهای فصل رقم زدن آن یکسر تحقیر و خفت قطب کارگری جامعه، جولان چرند پراکنی و زور گویی و ابراز وجود لاتهایی سرگردنه است. فصل دستمزدها میتواند و حق است که با جهنم دستمزدها جانشین شود. خشم و نارضایتی از دستمزدها از کوچه و خیابان، از مدارس و دانشگاه ها سرازیر گردد؛ بجای قطعنامه ها، مشت ها؛ بجای محاسبه خط فقر، تجلی انسانی اعتراض به خط فقر به میدان بیاید.

اعتراض قدرتمند، سراسری و طبقاتی کارگری علیه دستمزدها الزاما از کانال ایجاد تدریجی تشکلهای توده ای کارگری نمیگذرد. شکل و روال فصل تعیین دستمزدها ابداع کارگری در ایران نیست اما این تحفه بورژوازی میتواند به پاشنه آشیل سرمایه و حکومت اسلامی آن در گذر از طلسم و بختک دفاعی امروز تبدیل گردد.

سال 1398، سال اعتراضات گسترده و قدرتمند و توده ای کارگری علیه دستمزدها بود. این اعتراضات کانونهای گرم اعتراضی و قطب های مهم صنعتی ایران را از هفت تپه و فولاد، از اهواز تا اراک را شامل گردید؛ و معتبرترین نام ها از میان چهره ها و تشکل های تاریخ جنبش کارگری را با خود داشت. این جبهه کارگری پشت بزرگترین بسیج سرکوب و تخطئه جمهوری اسلامی را بر زمین کوبید و حمایت فعال توده ای را جلب کرد....

طبقه کارگر، قدرت آن، دستمزدهایش، پروبلماتیک حول تشکل و مکانیسم های ابراز وجود سراسری آن تنها میتواند از منظر "قله های سال 1398" تعریف شود. تکلیف دستمزدهای شورای عالی دستمزد از پیش معلوم است، مساله اصلی آنجاست که پلاتفرم دستمزد هفت تپه، پرچم کدام بخش کارگران و با کدامین ابزار مبارزاتی باشد.

مضحکه سالانه تعیین دستمزدها در پرده آخر یعنی مذاکرات نهایی شورای عالی دستمزد در جا میزند. با مرور تیترو گزارش صورت جلسات و جزئیات اختلاف نظر میان طرفین دولت و کارفرما از یک طرف و "نمایندگان کارگری" از طرف دیگر از خنده روده بر میشود. شواهد حکایت از قصد برگزاری جلسه کذایی در هفته آخر و در گیر و دار شروع سال جدید دارند. برای اینکه به اصل مطلب رسید، لازم است نکات خسته کننده و نخ نما را سریعاً کنار زد: نخست اینکه، نمایندگی کارگران مثل همیشه بعهده خانه کارگر و ایادی ارگانهای سرکوب و جاسوسی علیه کارگران است، که بنوبه خود بلندگوهای تبلیغات رسمی آنها در خوش رقصی و توجیه و دفاع از حکومت سنگ تمام گذاشته اند. بعلاوه، بودجه مصوبه سال 1399 از قبل میزان 15 درصد افزایش دستمزد را مقرر داشته است. وظیفه و نقش این مذاکرات تنها لغت و لیس و تزیین مصالح سرمایه و دولتش در قالب یک تک رقم است. این رقم، با احتساب تورم و گرانی و سایر عوامل، دقیقاً به سیاق ده - بیست سال اخیر، نه افزایش، بلکه کاهش رسمی دستمزدها است، سیاست تعیین دستمزدها در ایران یکسر جنایتکارانه است. دشمنی با کارگر از سر و کول این تشریفات میبارد.

دوم، نفس "مذاکره" بی معنا است. دولت و مجلس و حتی تایید امام و شورای نگهبان هم از قبل حرف آخر را زده است.

سوم، پانزده درصد ذکر شده مستقیماً با قانون اساسی خودشان منافات دارد، چرا که ارگانهای رسمی همان دولت میزان تورم را در سال 98 چهل و یک درصد اعلام نموده، و همزمان مرکز پژوهش همان مجلس حداقل معیشت در مرز خط فقر را چهار تا پنج میلیون در ماه محاسبه کرده است.

چهارم، و از همه مهمتر این است که مصوبه دستمزدها، با همه دبدبه و کبکبه همراهی مجلس و دولت، از هیچ و مطلقاً هیچ اعتبار اجرایی برخوردار نیست. در کف سفت کارخانه و مراکز تولیدی، هر کارفرمایی رسماً و قانوناً میتواند و اگر عشقش بکشد مصوبه دستمزدها را در کوزه بگذارد. در ایران و تحت حکومت اسلامی سرمایه قانون واقعی دستمزدها اگر هست ناظر بر کارگر بی حقوق و ارزان است که در چهارچوب "دستمزدهای معوقه" رسمیت دارد. تماشایی است که ارباب جمعی قانون و حکومت و دولت و مجلس با همه عر و تیز کذایی در مقابل سود جویی کارفرما به دسته نوکرهای قلنتش و کارچاق کن، از ایندولوگ تا بازجو، از اصلاح طلب تا مکتبی و ... پوست میاندازند. این جماعت رو به کارگر، مملکتشان قانون دارد و ارگانهای اجرایی اش از رتق و فتق برخوردار است؛ در عوض همین قانون در پیگیری کمترین حقوق مقرر کارگری سترون و چلاق از آب در میاید. دستمزدها عرصه اصلی خودنمایی این رابطه و اروونه طبقاتی است.

پنجم، و هنوز باید سیاستها و مصالح اقتصادی دولت در فاصله یک سال میان مصوبه دستمزدها را اضافه کرد. قیمت کالاها، نرخ ارز و بهره بانکی و سویسید و مقررات گمرکات هر کدام به نوبه خود ابزارهای دولت در کاهش ارزش واقعی دستمزد کارگران عمل میکنند.

تشریفات مذاکرات سالانه جای دخالت کارگران در تعیین دستمزدهای خود نیست. بیش از هر چیز به این خاطر که برای بورژوازی و کارفرما نیز این پروسه ارزش عملی و اجرایی ندارد. برای طبقه سرمایه دار فصل دستمزدها در یک پوسته، یک مناسبت، و یک شاخص راهبردی در درجه بی حقوقی کارگر و دستمزدی که میشود





توضیح: عکس ضمیمه از تابلوی نقاشی اثر "جان جورج براون" از سال 1879 است. عرق رنج مشترک بر چهره های مختلف کارگری در امریکا موضوع نقاشی است.

شیشه اتاق نشیمن فراری داد، زندگی خود را کرد و مواظب خود بود تا آنها از آسیاب بیافتند... در بحبوحه اشاعه کرونا، این چهره جمهوری اسلامی جلودار صحنه شده است، منت میگذارد، زبان درازی میکند، سرکوفت میزند و در بی پناهی قربانیان دنبال مستمسک میگردد. دیروز معتادان، کودکان خیابانی، و دست فروشان مورد حمله قرار گرفتند و امروز زحمتکشان افغانستانی!

کرونا و اپیدمی و مخاطرات آن، ایران، مردم و دولت ... هیچ کدام پدیده مشترک و واحدی نیستند، دو دنیای متفاوت، سیاه و سفید، با سرنوشت متفاوت دست به گریبان هستند. جمعیت افغانی نه مثل "پناهنده" بلکه مثل همزاد و همسایه و همکار لایه زیرین دنیای سیاه و سرگذشت چرکین نسل های بخت برگشته خود ما هستند...

آنها همه مسیر طولانی را با ما آمده اند .. و امروز در مواجهه با کرونا جز چشم آگاه، وجدان بیدار و بینش انسانی ما پشت و پناهی ندارند. جمهوری اسلامی جلو افتاده و همه جل و پلاس نداری و نارسایی این انسانها که نتیجه پنجاه سال سیاست وحشیانه علیه آنهاست را با وحشت از "سرایت اپیدمی" مورد حمله قرار داده است.

برای کارگر نه ترس و نه دست پاچگی، راه حل نیست. طبقه کارگر گلیم مشترکی از تندرستی و آسایش و نیک بختی دارد که امروز بیش از همیشه سر سختی و نظم، همبستگی و همدردی آحاد این شجره را میطلبد. همبستگی و حمایت فعال از زحمتکشان افغانی شاخص گویایی بر روشن بینی و آینده در انتظار است.

درمان کامل و حفاظت در مقابل کرونا باید همه بیماران و مبتلایان را شامل گردد.



مواجهه با هیولای کرونا، نه راه پیش و نه راه پس؛ بی پناه همچون زحمتکشان افغانی در ایران

در ایران خطر، خود جمهوری اسلامی است. هیولا، اپیدمی، ابتلا و مرگ، خود جمهوری اسلامی است. این حکومت و اقدامات آن است که ویروس را میآورد، محیط انتشار اپیدمیک گسترده را فراهم میسازد و دسته دسته قربانیان را به مسلخ میفرستد. گفته میشود بدنهای ضعیف و بیمار حلقه اصلی انتشار کرونا را تشکیل میدهد. باز به همین دلیل ایران، ناکجا آباد سخته ها و عفونت ها، بستر فقر و فقدان بهداشت و درمان، بر بستر یک جامعه طبقاتی هار، خود سرزمین کنعان کرونا است.

انبوهی سند در مرکز پژوهشهای مجلس و یا آرشیو صفحه اینترنتی خانه کارگر گواه منجلا ب فقر و تباهی و نگون بختی برای مردمی است که زمین و زمان را بهم میدوزند تا با شرافت چرخ زندگی را در گردش نگه دارند. انبوهی از گزارش پلیس انتظامی، اداره بهزیستی و کمیته امداد گواه است که میلیونها نفر از آنها در چنبره دستمزدهای ناچیز و یا بیکاری ناکام میمانند... این میلیون ها نفر، بخش مهمی از جمعیت شهر، و زندگی پرشتاب روزمره همگی ما را تشکیل میدهند، زحمتکشان افغانستانی در میان آنها موج میزند، آنقدر زیاد، با دردهای آنقدر مشابه که به سختی میتوان فرقی قابل شد و با فرق چهره ها را بخاطر آورد ... امروز زحمتکشان افغانستانی در کرونای این سرزمین نیز شریک میشوند... اما همچنان نه بعنوان قربانی، بلکه مقصر قلمداد میشوند و اساسا حقی برای ارجاع به آن ندارند. مطابق اخبار دست کم دو هزار مهاجر افغانی به بهانه مبارزه با کرونا به مرزهای افغانستان اخراج شده اند.

دولت و مسئولین حکومتی میگویند و دلداری میدهند "کرونا را شکست میدهیم"، وعده داده میشود "شهر ها را از کرونا پاک خواهیم کرد". باید پرسید کدام شهر؟ برای چه کسی و چگونه؟ آن سرزمین یکپارچه درد و نیاز و حسرت است. اما میشود زیر همان آسمان زندگی کرد در محله آنطرف زندگی دیگر، قانون دیگر و دولت دیگری داشت؛ میشود در همان شهر اما هوای دیگری، و اکسیژن بجای سم تنفس کرد؛ میشود از همان بازار و فروشگاه، اما با دست پر بیرون آمد؛ یک همشهری در همان شهر، اما بیمارستان خود، مدرسه خود، کافه و هتل و سالن مد خود را داشت؛ در همان شهر، اما میشود پنجره بالکن منزلگاه تو، نه حلبی آبادها، نه زباله های همسایگی آنها و نه شب نخوابی سمج زباله گردان را بخود ندیده باشد؛ میشود در سرسام هیاهوی بی امان و کر کننده شهر گم شد، اما نگاه و گامهای سراسیمه و سرگردان در پی یک لقمه نان را نشناخت؛ ...

این تهران است، شهر پس از شهر ساخته و پرداخته روابط و حکومت اسلامی سرمایه است... و امروز در شهر غرق در بیماری و ویروس و کرونا، میشود مطابق نصایح وزارت بهداشت و تأکیدات علمای اعلا روزانه چند بار دستها را با صابون شست، در و پنجره را بست، تمام شهر را بیرون کرد، اپیدمی را تا پشت

نوبت، نوبت اظهار نظر کارگراس!

آخرین خبر از دستمزد سال ۱۳۹۹

« سلام. من شوهرم کار میکنه خودمم سر کار میرم اندازه به مرد کار میکنم حقوقم ۱/۳۰۰ در حق کارگر خانم واقعا ظلم میشه چون بهشون کم حقوق میدن چیزی کمتر از پایه حقوق میدن باینکه منو شوهرم کار میکنیم ب بدبختی خرج خونه رو میدیم تورو خدا بفکر کارگرباشید

« این همه به خاطر تحریم کمر کارگر بدبخت رو می‌شکنید، عمر ما تموم شد ولی این تحریم که تموم نشد تا کی با این لولو باید بچه ها بترسن کسی به فکر کارگر بدبخت تو این مملکت نیست خدا به داد مان برسه

« چرا جنگ و جدال راه می‌اندازند؟ مگر کارگر آدم نیست؟ مگر خانواده ندارد؟ مگه مثل کارفرمایان دوست ندارن خانه و ماشین داشته باشن؟ مگه حق زندگی ندارن؟

« با سلام خدمت نمایندگان محترم کارگران زحمت کش. راستش نمیدونم از کجا شروع کنم، با حقوق ۱۵۰۰۰۰۰ که سال ۹۸ تصویب شد. اکثر شرکتها در استان همدان با سو استفاده از این موضوع که کار در استان همدان کم و کارگر زیاد هست به کارگران خود فقط حداقل حقوق بدون مزایای عیدی و سنوات و مزایای دیگر که شامل حق مسکن عائله مندی حق اولاد بن سنوات ماهیانه خوار و بار و دیگر مزایایی که به کارگران تعلق میگیرد را پرداخت نمیکنند البته از کارگران امضای دریافت این مزایا را میگیرند. چند بار اعتراض کردیم ولی یا باید امضا بکنیم و سر کارمان بمانیم یا امضانکیم و اخراج بشیم. مسولین محترم تورو خدا با یه برنامه ریزی دقیق نگذارید درحق هیچ کارگری چنین ظمی انجام شود با تشکر مرتضی از همدان.

« خوبه واقعاً حقوق عالی هست ولی فقط باهش میشه یک دست لباس عید خرید ممنون خودتان بخورید و بخوابید ما هم فقط کار میکنیم تا جونمون در بیاد

« تمام این کارها مسخره هست افزایش حقوق کارگر از قبل تعیین شده تمومش کنید کارگران را عذاب ندید بگید تموم کنید.

« با یک و نیم تومان تا حالا زندگی کردین؟ قسط دادین؟ اجاره خونه دادین؟ خرج خونه دادین؟
برای یکبار هم شده پشت ما باشین نه کارفرما که فقط بفکر سود جیب خودشه ...

کارگران همیشه تو ایران بدبخت بودن همیشه

تا اینها هستن وضع همین جوره

« با سلام متأسفانه در کشوری زندگی میکنیم که هیچوقت حال همدیگرو درک نکردیم من میگم این همه وزیر داریم نماینده کار و کارفرما داریم دو ماه جاشونو با ما عوض کنن اونوقت میتونن آیا با حقوق دو میلیون زندگی کنن حالا هر تصمیمی میخوان بگیرن بعد پنج شش سال دیگه با وجود کمبود نیروی کار مواجه میشن اونوقت قدر نیروی کار رو میدونن

« کارگر هرگز ارزش نداشته. من خودم کارکر ی شرکت. همیشه

بنا به اخبار منتشره، دویست و نود و نهمین شورای عالی کار که پنج شنبه 29 اسفند با موضوع تعیین حداقل دستمزد کارگران به ریاست وزیر کار و با حضور نمایندگان کارفرمایی و باصطلاح نمایندگان کارگری آغاز شده بود، بدون نتیجه پایان یافت. در این نشست در حالی که خبرها حاکی از این بود که دولت و کارفرمایان با افزایش حداقل دستمزد کارگران (بنا به مصوبه پانزده درصد دولت و مجلس) به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان توافق کرده‌اند اما گفته میشود به دلیل اختلاف نظر "نمایندگان" کارگری و کارفرمایی باز هم نتیجه لازم به دست نیامد و بر این اساس تعیین حداقل دستمزد کارگران به نیمه اول فروردین سال ۹۹ موکول شد.

منتخبی از کامنت کارگران درباره خبر فوق از صفحه اینترنتی سایت های خبری :

« مملکت ما یعنی این. وقتی میگم برده هستیم نه کارگر شماها باور نمیکنین. حالا اینم نتیجه... امروز فردا امروز فردا میکنن. بعد خودشون به جوری ماس مالیش میکنن ...

« اون دسته ای که میرین حقوق را تعیین میکنید، میخواستیم بگم حقوقمون همون اندازه پول تو جیبی بچه هاتون هم باشه راضی هستیم. لعنتی، من ۶ سال هست ازدواج کردم، هنوز نتونستم گوشت قرمز بخرم. لامصب، وقتی داری حقوق را تعیین میکنی، چجوری حساب کتاب میکنی؟ ...

« اخه تا کی میخوان حق کارگران رو بخورید؟ اون از سخت وزیان اور که یه شرايطی رو گذاشتن تا کارگر از سرطان و واریس و کمر درد نمیره ول کن نیستن؛ این هم از حقوق، که چند تا نماینده گذاشتن که خودشون هم از اونا هستنند. داداش حقوق کارگرا رو تایید کردن تموم شده حالا هم دارن ماس مالیش میکنن ...

« با سلام خدمت همه کارگران، منم یه کارگرم که صبح تا شب جون میکنم، ولی متأسفانه با این وضعیت مدیریت کشور که اصلاً یک کم سرشون رو خم نمیکنن پایین تا مارو هم ببیند که داریم له میشیم و فقط به فکر خودشون هستن، امسال که گذشت ما نه عیدی و نه پاداش و نه سنوات گرفتیم، هیچکی نیست پشتیبان کارگرباشه، این حقوقی رو که اداره کار تعیین می‌کنه چه فایده که دربخش خصوصی که البته همه جا الان خصوصی هست این حقوق رو پرداخت نمیکنند و کارگر رو طوری مجبور ساختن که کارکنه وگرنه شب گرسنه باید بخوابه، خواهش میکنم اندازه یه قطره تو دریا به کارگر اهمیت بدین

« بخدا کارگر بدبختن، خصوصاً زنها. من سر کار میرم بخدا قسم از پایه حقوقم کمتر بهم حقوق میدن. تو رو خدا بفکر کارگر باشید

اذامه نوبت اظهار نظر...

« آقای وزیر محترم بنده از تبریز مزاحم میشوم. بنده از برج ده هم حقوقم را نگرفتم. حتا عیدی ما را ندادند. اگر ما شکایت کنیم به اداره کار ما را بی کار میکند. من و خانوادم تو این روزهای عیدی چه جوری به پایان برسانیم؟ چون شما وزیران حامی سرمایه داری هستی. اخر کار از آنها حمایت خواهی کرد. در واقع ما مردنی هستیم. چرا به فکر ما کارگران نیستی؟ جواب میخوام.

« سلام بر همه مسعولین حاضر در جلسه. آقا شرافتا ما کارگران حتی با یک بچه هم نمیتونیم زندگیمون رو اداره کنیم، چه برسه چند فرزندیها. تورو قران اگر مسلمونید حقوقمون رو خوب اضافه کنید تا قدرت خریدمون بالا بره و هم شکاف طبقاتی هم کمتر بشه.

« هر سال همین بازی، خجالت دارد باکمترین و حداقل بخور و نمیر و بو کشیدن گوشت میوه و... سال رد شد تصمیم نگرفتید واقعا... بجنید

« سلام بدبخ تراز کارگر تو این مملکت کسی هست؟ مملکتی که میخان سه قران بزارن روحقوق کارگر، اینقدر چانه میزنم اما وقتی سالی چند بار جنسا گران میشه کسی چیزی نمیگه ...

« میزان افزایش حقوق از قبل مشخصه این جلسات متعدد و این همه طول دادن اعلام کردنش برای سرکار گذاشتن ما کارگر هاست.

« نشستن اونجا جوک تعریف میکنن و تنقلات میخورن یکی ندونه فکر میکنه چه پروژه ای این افزایش حقوق.

« مگه قراره بعد از عید چه اتفاقی بیفته. یعنی واقعا به تعیین حقوق اینقدر سخته. قانونای خودشونم قبول ندارن.

این که دیگه جلسه گرفتن نداره طبق قانون حقوق امسال برابر است با حقوق پارسال ضربدر نرخ تورم که حدود ۴۰ درصده حالا من نمیدونم چه اصراریه یا اصلا ۱۵ درصد را از کجا آوردن.

اگه کارفرمایان برایشون نمیصرفه پس چطوری ماشین شاسی بلند سوار میشن در صورتی که ما پرایدمون نمیتونیم تعمیر اساسی کنیم

« من به کارگر شرکتی هستم که سابقه ۹ سال کار در این شرکت رو دارم با دوتا بچه و مستاجر مانه یک و نیم به کجا ما می رسه مخارج ماهانه کرایه خونه یا اقساط وامها دولت اعلام میکنه از اسفند تا اخر اردیبهشت هیچ گونه اقساط بانکی پرداخت نشود اما الان شب عیدی جلو حسابها ضامنها بسته شده مگه چقدر میخواید اضافه شه رو حقوق کارگر چند ماه ملت و سر کار گذاشتید خدا ازتون نکرده به حق علی گرفتارتر از کرونا سر تمام مسئولین کشور بیاد حتی معیشتی ما رو هم قطع کردن چون به پراید مدل ۸۵ به اسم ماست واقعا خسته نباشید مسئولین دلسوز کشور

شرمنده ز نو بچم بودم. خرج مادر مم با منه از ش خجالت میکشم. هر ماه حقوقم فقط دو روز نهایت پنج روز برام میمونه. این یعنی بیست روز در ماه با هوا دارم زندگی میکنم

« سلام و تبریک سال نو به همه کارگران زحمت کش در این جامعه و وضعیت کارگران فقط بردگی نوین هستش (تلاش برای زنده ماندن بدون هیچ امکانات رفاهی و.....) ...

« چه انتظاری میشود داشت از جامعه ای که کارگر زحمت کش هیچ تریبونی و هیچ حق اعتراضی ندارد؟؟؟؟!!!! و تصمیم برای حقوق دستمزدش را کسانی میگیرند که در جبهه مقابل کارگر قرار دارند؟؟؟

چگونه میشود انتظار تولید بیشتر و با کیفیت از کارگری داشت که هیچ انگیزه ای برای کار ندارد و همیشه به نان شب محتاج است

« چگونه است که برای حقوق ده ها و حتی صدها میلیون سابر اغشار بودجه هست و مشکل تورم پیش نیاید ولی افزایش حتا یک میلیون تومنی کارگر بدبخت اوضاع اقتصادی مملکت را به هم میریزد؟؟؟ ...

« شعارهای بیخودی برای ما نان شب نمیشود، نمیخواهیم دست کارگر را ببوسید دستش را از نان خشک سفره ای که خیلی ها آن را مال خود کرده اند و لقمه چرب و چیلی بر میدارند قطع نکنید!!!

« وقتی دلار ۱۰۰۰ تومن بود خودشون گفتن زیر حقوق زیر ۳ میلیون تومن خط فقر، حالا دلار شده ۱۶ هزار تومن، یعنی ما الان زیر کم کم زیر ۱۰ میلیون تومن خط فقره، در ضمن کارفرما جنسی که تولید میکنه دوبله سوبله میفروشه، بعد میخواد چندرغاز پول کف دست کارگر بزاره بهش فشار میاد، باین شرایط به کارگر معمولی باید حداقل ۵ میلیون پایه حقوقش باشه تا بتونه تو این مملکت زنده بمونه، نه زندگی کنه

« فقط از خدا میخام که آهه کارگر جماعت و طبقه پایین بزنده تو کمر باعث و بانی و جماعتی که این زندگیو برا ماها درست کردن

« سلام عزیزان کشور در حال حاضر تحریم هست نباید امیدمون و قطع کنیم توکل به خدا همه چی حل میسه مگ قبلاً که تحریم بود چ قدر حقوق میدادن که حالا تحریم روب بهانه میکنید

« ابا به کارگر با اجاره به افول سگ که یکتومن پارسال اجاره بوده باید چکار کنه که دو هشتصد هنوز قبول نکردن حالا اگه قبول کنند باز افزایش قیمت اجناس کجای دلم بزارم بیان خودشون مدیریت کنند اگر کل حقوق به ۵ روز رسید ما کارگرا باید بریم بمیریم غیر از خجالت زن بچه چیز دیگه ای نداریم تا خدا نکنه به مریضی؟؟؟؟؟

درصد افزایش باشد یعنی ۲۰۰ تومن . با ۲۰۰ تومن همیشه اضافه گرانی فقط پیاز را جبران کنیم، بقیه اش پیشکش. تو را خدا بهمون زور نکید. آخه ما پناه و پشتی نداریم . پشتی نداریم که بهش تکیه کنیم. دارم شکسته شدنم رو احساس می کنم . هر چی از خدا چیزی می خواهیم بیشتر لج می کنه. مرگ هم نمیده راحت بشیم

« انوقت این نماینده کارگران خودش کارگره؟؟؟؟»

« آگه حقوق بیش از تورم فعلی افزایش پیدا کنه حرف شما درسته. الان با پنج میلیون هم نمیتونم زندگی 4 نفری رو اداره کنم . خدا پدر صاحب خونه رو بیامرزد که تو پرداخت اجاره باهام راه میداد. یکی نیست بگه 15 درصد از کجا آوردین . خودتون میتونید با این حقوق 10 روز زندگی کنید یک ماه پیشکش

« سلام باحقوق هنگفت خودشان کارگر کیلویی چند!؟»

« سلام شما ها که شب مخابید و فردا صبح میگید ما خواب بودیم از تلوزیون خبر را شنیدیم. حقوق کار گر را هم یکبار مثل تصمیمات خودتون تصویب کنید و بعدش بگید از تلوزیون شنیدیم چقدر فریب کاری و دروغ تحویل مردم میدین

« وقتی میگن کارگر همه فکرمی کنن که به آدم بی سواد که درس نخونده و الانم حفش که با حداقل دستمزد کارکنه و صدش درنیادبنده لیسانس برق صنعتی هستم و الان 10 ساله که مدرک گرفتم ولی چون پارتی نداشتم ضالان توی پمپ بنزین کار میکنم که حتی حق شیفت شب هم بهمون نمیدن آقای وزیرشمایی که فقط به فکر جیب خوندن هستنیدمارو هم دریابید با وجود کرونادر معرض خطر هستیم ولی حقوقمون که زیادنمیشه هیچ دستور العمل هم میدیدکه باید واسه همه بنزین بنزید اونم بدون انعام و حقوق هاروهم حداقل و حداکثر میکنیدبه اختیارصاحب کاراونم میدادحداقل حقوق رومیده مرض که نداره بیادپول اضافه بده و حداکثرحقوق روبده لطفا”لااقل حقوق حداقل روبا لاتر ببرید و بیایه نرخ حقوق بگید

جمع آوری شده از ستون اظهار نظرات در سایت های خبری

ایران

تهیه و تنظیم از

مصطفی اسدپور



ادامه نوبت اظهار نظر...

با این حقوق کارگر باید فقط به فکر کفن باشه!

اظهار کارگران در مورد جلسه شورای عالی دستمزد - قسمت دوم

« تو یک شب سیصد درصد میزاید رو قیمت بنزین ولی برای کارگران هر روز بهانه ای درست میکنید خجالت بکشید!

« کارگر مگه آدم نیست؟

دولت خودش از کارفرما هست .

« همین ۲۸۰۰ نه کم میشه نه زیاد ما کارگران با این حقوق بریم نون خشک بخوریم، بخوریم تا نیمه مرده باشیم و سرمایه دارو سرمایه دارتر بکنیم . بمیریم هم فرقی نمی کنیه چیزی که زیاده، کارگر!

« ما که سرایدار هستیم الان 1.500.000 میگیریم. حتی آگه ۲,۸۰۰,۰۰۰ هم که بشه ساکنین اینجا به ما نمیدن. فوقش منت بگذارند ۱,۸۰۰,۰۰۰ اونوقت با این حقوق چگونه حق بیمه تقریبا ۸۰۰,۰۰۰ هزار تومانی تامین اجتماعی رو بدهم تازه قسط هم دارم با این گرونی...

« با این حقوق کارگر باید فقط به فکر خرید کفن باشه.

« هر سال گفته میشه در مورد تعیین دستمزد کارگران باید با احتیاط تصمیم گیری کرد و این یعنی هیچ وقت به میزان تورم دستمزد هم زیاد نمیشه، چون در اینصورت باید شاهد ریزش شدید نیروها توسط کارفرماها باشیم و این باعث میشه نهایتا بین ۱۵ تا ۲۰ درصد زیاد بشه. دیگه این چه تصمیم گیری میخواد؟

« آخه یکی نیست به شما بگه آقای شریعتمداری خودت میتونی با این 15% زندگی تو بچرخونی ، به قران که این 2800000 پول تو جیبی بچه خودتم نمیشه . چه برسه به ما بدبخت بیچاره های کارگر که باید خرج ی خونه رو با این پول بدیم ، واسه همین 15 درصدتونم هی جلسه پشت جلسه که خرج هر جلسه اش از حقوق یک ماه من کارگر هم بالاتره.

بخدا توی وجب جا هممون میخوابیم ، تا کی بین کارگر و کارمند این همه تبعیض باید باشه؟

« همش نمایشه، میخوان بگن ما خیلی به فکر کارگریم. خودرو 4 برابر شده، ایرادی نداره؛ بنزین 3 برابر شده، ایرادی نداره چون همش بنفع خودشونه هستش. ملک پنج برابر شد، صدای دولت مرد و در نیومد بگه بابا کمر طبقه پایین و شکوندیم! الانم اومدن حقوق کارگرو مثقالی بزارن روش این همه ادا بازی در آوردن... چرا چون کارگری تو این مملکت مساوی زندگی نکبتی و بدهکاری حسرت ب دیگران.

« خدایا خودت به دادمان برس ، میگن دولت اصرار داره ۱۸۰۵

یارانه کرونا، مضحکه جدید علیه معیشت و تندرستی طبقه کارگر



در عرض چند هفته چیزی بنام "حمایت کرونا" به کلکسیون سنگرهایی که کارگر و خانواده کارگری باید برای معیشت خود شمشیر بزنند، اضافه شده است. شمار این یارانه ها، سبدهای کالایی و سرانه ها، موعد و شرط و شروط برخورداری، کانال شکایات و رقص مستهجن "بدهم یا ندهم" باسن های فریه در مجلس و دولت، دیگر به یک بازی کثیف تمام عیار، یک سرگرمی سخیف و شرم آور برای مسئولان تبدیل شده است.

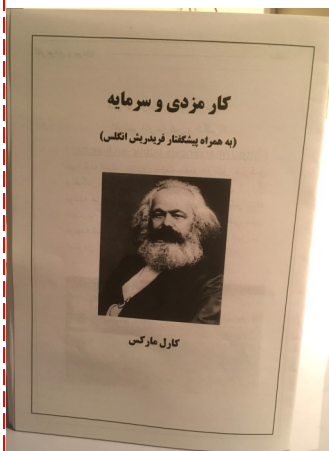
در ایران صدقه سر دولت دستمزدها تا پنج شش برابر زیر خط جهنمی فقر قانونی است، تمرد و اعتراض بر علیه آن با گلوله و زندان پاسخ میگیرد؛ و در این میان بازی کثیف یارانه ها "عملیات ایدایی" و نقشه آگاهانه بورژوازی و دولت آن است که مانع شود طبقه کارگر زیر فشار دائمی کابوس معیشت کمر راست کند، سر بلند کند، به موقعیت خود احاطه یابد و چاره ای بیاندیشد.

امروز کارگر در ایران شاغل یا بیکار، زن یا مرد نیست. طبقه کارگر را به زعم بورژوازی در دسته های فقیر و بینوایان، کارتن خوابها، معتادین، تن فروشان، کودکان کار، دست فروشان، یارانه بگیر، مشمولان صدقه، معلول، بی سرپرست، بی خانمان، اخراجی، قرارداد سفیدی و ... میتوان سراغ گرفت که سوار بر

یک تخته پاره در امواج سیل به هر شاخ و خاشاکی چنگ میاندازد. بنا به یک اصل طبقاتی کارگری، جامعه و دولت موظف به تامین نیازهای یک زندگی شایسته برای همه شهروندان جامعه است. هیچ کس نباید گرسنه و بی سرپناه بماند. همه باید بدون توجه به درآمد و دارایی خود، به یکسان از درمان و بهداشت عمومی و مجانی جامعه برخوردار گردند.

باید تمام مخارج پیشگیری و معالجه کارگران از مهلکه کرونا را به دولت تحمیل کرد. یارانه کرونا یک توطئه است. دولت میخواهد از زیر مسئولیت فرار کند. یارانه بی یارانه! بساط ترحم دولت بی جا است. همه دستمزد، همه همکاران و همه تن ها، صغیر و کبیر خانواده را سالم از چنگ جانورهای اسلامی سرمایه و ویروسهایشان بیرون بیاوریم!

منتشر شد: جزوه کار مزدی و سرمایه



متن این ترجمه به نقل از سایت "آرشیو عمومی آثار مارکس و انگلس"

(<http://marxengels.public-archive.net>)

تهیه شده است. در این سایت مجموعه آثار مارکس و انگلس به زبان انگلیسی و ترجمه تعدادی از این نوشته ها بزبان های فارسی و عربی منتشر شده است. به علاوه فایل صوتی قرآنت فارسی متن ترجمه شده جزوه "کارمزدی و سرمایه" نیز در دسترس علاقمندان قرار دارد.

سیوان رضایی

علیه بیکاری

دانلود: <http://a-bikari.com/2pdf/Ketab-karMozdi-Marx.pdf>

نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سر دبیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل

info@a-bikari.com

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است. استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

